

مطالعه جامعه‌شناختی خشونت میان‌فردی: آزمون تجربی نظریه نظارت اجتماعی

مهربان پارسامهر، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد

سید محسن سعیدی مدنی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد

فائزه دیوبند، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد*

چکیده

خشونت رفتاری است که با هدف آسیب رساندن به دیگری سر می‌زند و رفتارهایی، از قبیل تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح، تخریب و قتل را شامل می‌شود. امروزه شکل‌های مختلف خشونت به یک مسأله اجتماعی رو به رشد و بخشی از رفتار عادی روزمره تبدیل شده است. تحقیقات گوناگون نقش متغیرهای اجتماعی را در بروز انواع رفتارهای انحرافی از جمله خشونت نشان داده‌اند. این پیمایش یک مطالعه تجربی از نظریه کنترل اجتماعی است تا نقش خانواده و دوستان را در خشونت میان‌فردی تبیین کند. در همین راستا، ۳۸۵ دانش‌آموز پسر دبیرستان‌های شهر یزد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده، به پرسشنامه خود گزارشی پاسخ دادند. نتایج نشان داد دل‌بستگی به خانواده، دینداری والدین و کنترل والدین، همبستگی منفی و معنی‌داری با خشونت میان‌فردی دانش‌آموزان پسر داشته‌اند و دو متغیر تضاد والدین و پیوند با دوستان منحرف، همبستگی مثبت و معنی‌داری با خشونت میان‌فردی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: نظریه نظارت اجتماعی، خشونت میان‌فردی، خانواده، دوستان منحرف

مقدمه

خشونت رفتاری است که با هدف آسیب رساندن به دیگری سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). خشونت را می‌توان به اشکال گوناگون تعریف کرد و این امر از ماهیت چند بعدی خشونت بر می‌خیزد، به گونه‌ای که با تأکید بر بعدی از ابعاد متنوع آن، تعریفی متفاوت از آن به دست می‌آید. برخی آن را عملی می‌دانند که با رفتارهای مخصوصاً جسمانی یا دست کم بیانی همراه گردد (ستوده، ۱۳۷۲: ۲۰۵). در یک تقسیم‌بندی کلی از خشونت می‌توان آن‌را به چهار نوع فیزیکی (نسبت به انسان اعم از درون فردی و میان فردی و خشونت نسبت به اشیا و اموال اعم از اموال شخصی و یا عمومی)، کلامی، ترکیبی (ترکیبی از دو نوع قبلی) و اجتماعی (سریچی از مقررات) تقسیم کرد (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۵).

در جامعه امروز خشونت به شکل‌های گوناگون آن به یک معضل اجتماعی رو به رشد و به عنوان بخشی از رفتار معمولی تبدیل شده است. ما هر روزه شاهد بروز خشونت در اطراف خود در اشکال مختلفی، چون ناسزاها، هل دادن‌ها، دادکشیدن‌ها و آسیب رساندن به اموال و امثال آن در کوچه و خیابان، زمین‌های ورزش و اماکن عمومی و مدارس هستیم (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

آمارها نیز نشان دهنده افزایش خشونت در جامعه است؛ به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۴ قتل عمد ۵۳۰ درصد و ضرب و جرح ۲۲۰ درصد افزایش داشته است. پرونده‌های مختومه مربوط به خشونت نیز با رشدی ۴۰ درصدی از ۵۴۴ مورد در سال ۱۳۷۶، به ۷۵۵ مورد در سال ۱۳۸۴ رسیده است

(سالنامه آماری ایران، ۱۳۸۵: ۴۷۰-۵۰۰). این افزایش در پرونده‌های مختومه خشونت، در استان یزد نیز وجود دارد و حتی نسبت افزایش آن در مقایسه با کل کشور نیز بیشتر بوده است؛ به طوری که از لحاظ این شاخص از رتبه ۲۰ در سال ۱۳۷۶ به رتبه ۱۱ در سال ۱۳۸۰ رسیده است. همچنین، از لحاظ میزان نزاع دسته جمعی که در آن علاوه بر ضرب و جرح، آسیب رسانی و تخریب و احتمال قتل نیز وجود دارد، در فاصله سال ۷۵ تا ۸۱، از ۱۳ مورد به ۴۰ مورد رسیده است و از این لحاظ، استان یزد رتبه ششم را در کل کشور دارد (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

در این میان، بررسی خشونت در میان نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نوجوانی آستانه ورود به جامعه وسیعتر است و شخصیت آدمی در این سنین تحت تأثیر نهادها و عوامل اجتماعی شدن شکل می‌گیرد (گلدنز، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۱۰۴). بنابراین، این امکان وجود دارد که در صورت عدم شناخت و کنترل رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان در این سنین، خشونت از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، تثبیت شود و به صورت بخشی از ویژگی‌های رفتاری آنها در جامعه ادامه پیدا کند و حتی به خشونت‌های شدیدتر نیز تبدیل شود. همچنانکه پژوهش اولئوس نیز نشان داد، ۶۰ درصد از پسرانی که در سنین نوجوانی در درگیری‌ها شرکت کرده بودند، در سنین ۲۴ سالگی نیز به فعالیت‌های خشونت‌آمیز و جنگ و دعوا پرداخته بودند (Olweus, 1993). گسترش برخی از رفتارهای انحرافی، از جمله خشونت در بین نوجوانان باعث شده است تا کشف عوامل مؤثر بر این رفتارها کانون توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار گیرد.

از جمله نظریه جامعه‌شناسانه‌ای که به بررسی رفتارهای انحرافی می‌پردازد، نظریه نظارت اجتماعی

در ایران، نیک اختر (۱۳۷۸) ضمن پژوهشی به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در تبیین رفتار خرابکارانه جوانان پرداخته است. اطلاعات این مطالعه از طریق پرسشنامه خودگزارشی و با شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، از یک نمونه ۵۲۷ نفری دختران و پسران دبیرستانی که در سن ۱۴ تا ۱۹ سالگی قرار داشته‌اند، به دست آمده است. نتایج این تحقیق نشان داده است جوانانی که با دوستان بزهکار خود معاشرت دارند، میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های خرابکارانه (خشونت اقتصادی) افزایش زیادی داشته است. همچنین، نتایج تحقیق ارتباط معنی‌داری را بین متغیر دلبستگی خانوادگی جوانان و رفتار خرابکارانه نشان داده است.

فاضل‌نیا (۱۳۸۰) ضمن پژوهشی به بررسی نقش خانواده و همسالان در آسیب‌شناسی اجتماعی نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت تهران پرداخته است. اطلاعات این پژوهش از ۷۷ نفر از مددجویان کانون اصلاح و تربیت به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است. نتایج آن نشان داد که وضعیت اقتصادی، کنترل بیش از حد فرزندان، ارائه آزادی بیش از حد، فقدان باورهای مذهبی و گروه همسالان، در رفتارهای آسیب‌زای اجتماعی نوجوانان کانون اصلاح و تربیت مؤثرند.

مشکانی (۱۳۸۱) به بررسی میدانی بزهکاران نوجوانی که به جرم بزهکاری در تهران در سال ۱۳۸۱ دستگیر شده‌اند، پرداخته است. اطلاعات این پژوهش از ۱۵ دختر و ۹۰ پسر زیر ۱۸ سال که در آن سال دستگیر شده بودند، و با استفاده از مصاحبه سازمان یافته به دست آمده است. در این خصوص، چهار متغیر مربوط به اعمال بزهکارانه و ۸۱ متغیر مستقل، شامل خصوصیات فردی، وضع زندگی و مهاجرت، نظام

است. هیرشی از جمله صاحب‌نظران این رشته، موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد و معتقد است رفتارهای کجروانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹). در میان عواملی که این پیوند را میان نوجوان و جامعه ایجاد می‌کنند؛ دو عامل خانواده و گروه همسالان از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

خانواده به عنوان مهمترین عامل جامعه‌پذیری، نقش حساسی را در این دوره ایفا می‌کند؛ زیرا این دوره زمان تعارض شدید نوجوانان با والدین و استقلال‌جویی آنهاست (کاپلان، ۱۳۸۲: ۸۳۲). در این دوره است که نوجوانان به علت بدبینی به والدین از آنها فاصله می‌گیرند و به گروه همسالان می‌پیوندند و این امر موجب اهمیت یافتن این گروه همسالان در شکل‌دهی به رفتار می‌شود (نجفی، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین، شیوه عمل این دو گروه در پیوند و یا عدم پیوند با هنجارهای جامعه و در نتیجه رفتارهای نابهنجاری چون خشونت مؤثر است. با توجه به اهمیت این مسأله، در تحقیق حاضر به آزمون تجربی نظریه نظارت اجتماعی در قالب نقش گروه همسالان و خانواده در ایجاد پیوند میان فرد و جامعه پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده در زمینه نقش خانواده و گروه همسالان در بروز رفتارهای انحرافی، از جمله رفتارهای خشونت‌آمیز به دو دسته مطالعات داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند که البته، اکثر پژوهش‌های مرتبط در خارج از ایران انجام شده‌اند که به طور مختصر ذکر می‌شوند:

بالای جنسی بوده است. اطلاعات این پژوهش از ۲۰۴ نوجوان و والدین آنها به دست آمده است. مدل توانست ۵۲ درصد از واریانس رفتار مسأله دار نوجوانان را تبیین کند. نتایج مربوط به خانواده‌ها در این تحقیق نشان داده است والدینی که دارای سطح بالایی از تضاد و درگیری بودند، کمتر در مورد مسایل مربوط به تربیت فرزندان خود درگیر می‌شدند، زیرا شرایط خانوادگی، سطح پایین کنترل رفتار نوجوانان را به همراه داشت. در نتیجه این امر با پیوستن نوجوان به همسالان مجرم مرتبط بود. کنترل پایین رفتار نوجوانان و پیوند با همسالان بزهکار قویترین پیش‌بینی کننده‌های انواع رفتارهای مسأله دار نوجوانان بودند.

هیو^۷ و ویرجن^۸ (۲۰۰۰) ضمن پژوهشی به ارزیابی آثار فاکتورهای شخصیت (برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، روان‌پریشی‌گرایی)، کنترل خانواده و هم‌نشینی‌های منحرف بر انحرافات خودگزارشی نوجوانان پسر پرداخته‌اند. اطلاعات این پژوهش از دو گروه ۱۳-۱۸ ساله (n=۱۱۰ و n=۸۹) به دست آمده است. نتایج معادله ساختاری نشان داده است که: دو عامل شخصیت و هم‌نشینی منحرف، آثار مستقیم و معناداری بر انحرافات خودگزارشی دارند.

میرس^۹ و فیلد^{۱۰} (۲۰۰۲) ضمن پژوهشی به بررسی رابطه بین جرم و همراهی همسالان منحرف پرداخته‌اند. اطلاعات مورد نیاز برای آزمون این رابطه از بررسی جوانان ملی (NYS)^{۱۱} به دست آمده است. نتایج نشان داد بین جرم و همراهی همسالان منحرف

حمایتی خانواده، باورها و عملکردها، ارتباط با بزهکاران و سرگرمی‌ها و گذراندن اوقات فراغت، اندازه‌گیری شده‌اند. نتایج حاصل از اجرای تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها سه عامل وابستگی نوجوان به خانواده، باورها و نگرش‌ها (مذهبی و اخلاقی) و ارتباط با بزهکاران نقش تعیین کننده‌ای در تعیین شدت بزهکاری داشته‌اند.

در خارج از ایران پیترسون^۱، دبارشی^۲ و رامسی^۳ (۱۹۹۰) به بررسی نقش خانواده، بخصوص آثار متقابل والدین_فرزندی به عنوان فاکتور تعیین کننده در توسعه اختلالات رفتاری پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش اسنادی، با توجه به تلاش‌های انجام شده در مورد اختلالات رفتاری، سعی می‌کند روندی را که از تأثیر والدین در کودکی شروع و به رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانی منجر می‌شود، نشان دهد. در مرحله اول که ابتدای کودکی است، کنترل و تربیت ضعیف والدین بر هدایت مسایل نوجوانان اثر می‌گذارد. این امر در مرحله کودکی میانه به شکست تحصیلی و طرد توسط همسالان بهنجار منجر شده، در نهایت، در اواخر کودکی و یا اوایل نوجوانی به پیوستگی به همسالان مجرم و در نهایت انحراف می‌انجامد.

دنيس^۴، تری^۵ و دانکن^۶ (۱۹۹۹) ضمن پژوهشی به آزمون اثر والدین و همسالان بزهکار بر رفتارهای مسأله دار نوجوانان پرداخته‌اند. منظور از رفتارهای مسأله‌دار در این پژوهش، رفتارهای ضد اجتماعی، مصرف مواد مخدر، شکست در تحصیل و ریسک

⁷ Heave

⁸ Virgen

⁹ Mears

¹⁰ Field

¹¹ National youth survey

¹ Patterson

² Debaryshe

³ Ramsey

⁴ Dennis

⁵ Terry

⁶ Duncan

پیوند اجتماعی دانش‌آموزان وجود نداشت. شرکت‌کننده‌های گروه‌های قومی رفتارها خشن بیشتری نسبت به گروه‌های غیر قومی نشان داده بودند.

دکوویک^۵ و میجر^۶ (۲۰۰۴) ضمن پژوهشی به بررسی رابطه بین پیوند با خانواده و گروه‌های همسال بر رفتار ضد اجتماعی نوجوانان چهار گروه قومی پرداخته‌اند. اطلاعات مربوط به این پژوهش از ۶۰۳ نوجوان (۳۱۸ دختر و ۲۸۵ پسر) از چهار گروه قومی (۶۸٪ هلندی، ۱۱٪ مراکشی، ۱۳٪ ترکیه‌ای و ۸٪ سوریه‌ای)، در مدارس به دست آمده است. نتایج نشان داد گروه‌های مختلف قومی هیچ تفاوت معنی‌داری از نظر میزان پیوند با خانواده و همسالان منحرف و همچنین رفتار ضد اجتماعی ندارند؛ هرچند بین میزان بستگی و پیوند با خانواده و پیوند با همسالان بزهکار و رفتار ضد اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اریسج^۷ و فوشی^۸ (۲۰۰۴) ضمن پژوهشی به بررسی این نکته پرداختند که کدام عامل خشونت خانواده و خشونت گروه همسالان در خشونت نوجوانان مؤثرترند؟ اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از ۵۰۲۶ نوجوان پایه‌های ۸ و ۹ به دست آمده است. دانش‌آموزان پرسشنامه خودگزارشی مربوط به وقایع شش ماه گذشته را تکمیل کرده بودند. نتایج نشان داده است که خشونت دوستان و خشونت خانواده، سطح همانندی از همبستگی را با خشونت نوجوانان داشته‌اند. البته، خشونت دوستان برای خشونت‌های اخیرتر نوجوان بیش‌بینی کننده بهتری بوده است.

رابطه وجود دارد. البته، باید گفت نتایج این پژوهش تنها برای لغزش‌ها و جرایم مربوط به سوء استفاده از مواد مخدر صورت گرفته است.

اسمیت^۱ و فارس^۲ (۲۰۰۲) ضمن پژوهشی به بررسی و تعیین اثر مذهب، معنویت و حضور نوجوانان در تشکل‌های اجتماعی و مذهبی بر رفتارهای ریسک‌آمیز در زندگی نوجوانان پرداخته‌اند. اطلاعات لازم برای این پژوهش از مرکز مطالعات ملی جوانان و مذهب (NSYR)^۳، به دست آمده است. نتایج آن نشان داده است که حتی با کنترل متغیرهای نژاد، سن، جنس، منطقه، تحصیلات والدین، اشتغال یا عدم اشتغال والدین، حضور پدر یا قیم مرد، روستا یا شهرنشین بودن و تعداد خواهران و برادران، نقش مذهب و حضور در تشکل‌های مذهبی در انحرافات، چون سوء استفاده از مواد، مصرف دارو، دزدی، مسایل مدرسه و خشونت و امثال آن معنی‌دار است.

مشاری الحسینی^۴ (۲۰۰۴) ضمن پژوهشی به بررسی رابطه بین پیوند اجتماعی و پرخاشگری در بین دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های کویت پرداخته است. همچنین، وی به بررسی رابطه بین ساختار خانواده، نوع خانواده و سن دانش‌آموزان بر بروز رفتارهای خشن از پسران گروه‌های قومی و غیر قومی در دبیرستان‌های عمومی کویت پرداخته است. ۶۰۰ دانش‌آموز پسر دبیرستان‌های کویت، پرسشنامه پرخاشگری را که شامل چهار بخش پرخاشگری جسمی، زبانی، خصومت و خشم می‌شد، پر کرده بودند. نتایج نشان داده است که هیچ تفاوت معنی‌داری در میانگین نمره بین چهار مشخصه رفتار خشن و

⁵ Dekovic

⁶ Wissink

⁷ Arriage

⁸ Foshee

¹ Smith

² Faris

³ National survey youth religion

⁴ Al-Husaini

نوع اسنادی بوده و یا تنها به بررسی برخی از متغیرهای مربوط به خانواده مورد نظر در نظریه نظارت اجتماعی پرداخته‌اند.

به همین منظور، پژوهش حاضر سعی بر این دارد تا با استفاده از روش پیمایش و با در نظر گرفتن دو عامل جامعه‌پذیری؛ یعنی دوستان و خانواده و همچنین، با لحاظ قرار دادن اکثریت متغیرهای مربوط به نظریه نظارت اجتماعی، به بررسی خشونت میان فردی در چارچوب نظریه نظارت اجتماعی بپردازد.

چارچوب نظری (نظریه نظارت اجتماعی)

فرضیه اصلی نظریه نظارت اجتماعی^۲ ارضا نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا ناهنجار بودن هستند. نکته اصلی آن است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. موضوع مورد نظر این نظریه، این است که چرا همه مردم هنجارشکنی نمی‌کنند. هیرشی بر این اعتقاد است که کنجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: ۱- وابستگی؛ ۲- تعهد؛ ۳- درگیری؛ ۴- اعتقاد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

۱-۳. وابستگی^۳

اگر فردی به تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد، در آن صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده، خود را آزاد می‌بیند که مرتکب انحراف شود. در نظر هیرشی، مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی

هابس^۱ در سال ۲۰۰۸، ضمن پژوهشی به بررسی ارتباط بین سطح انحراف گروه همسالان بر رفتارهای انحرافی پرداخته است. داده‌های مربوط از ۶۳ دختر و ۶۷ پسر سنین ۱۸ تا ۱۶ سال به دست آمد. اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه خلاصه شده سنخ نمای مایرز-بریگز و سایر سؤال‌های محقق ساخته، درون‌گرایی/برون‌گرایی، همسالان منحرف و شرکت در انحراف به دست آمده است. همبستگی دو متغیره نشان داده است که رابطه معنی‌داری بین همسالان منحرف و شرکت در انحراف وجود دارد. رگرسیون چندگانه نشان داده است که متغیرهای برون‌گرایی، سن و همسالان منحرف، پیش‌بینی‌کننده‌های قدرتمندی برای رفتار انحرافی هستند. آنوای دو راهه نشان داده است درحالی که دیگر فاکتورها به انحراف کمک می‌کنند، گروه همسالان اثر خاص خود را دارد.

جمع‌بندی پژوهش‌ها

در مجموع، اکثر پژوهش‌های ذکر شده، پژوهش‌هایی هستند که تنها برخی از متغیرهای مورد نظر در نظریه نظارت اجتماعی را بررسی کرده‌اند. این فاکتورها در مورد خانواده، بیشتر دینداری والدین، تضاد والدین، دلبستگی به والدین و کنترل والدین بودند و علاوه بر آن، در مورد گروه دوستان، مسأله نظارت بر دوستان منحرف مطرح بوده است.

اکثر پژوهش‌های نامبرده توجه خود را به یکی از این عوامل معطوف کرده‌اند، به گونه‌ای که یا مسأله دوستان و نظارت بر آنها را بررسی کرده و یا بر متغیرهای مربوط به خانواده تأکید داشته‌اند. هر چند که معدود پژوهش‌هایی نیز بوده‌اند که این دو عامل جامعه‌پذیری را با هم در نظر گرفته‌اند که البته یا از

² Social Bond

³ Attachment

⁵ Meghan

می‌شود. به همین علت، بیشتر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش سال‌های تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کجرفتاری در میان نوجوانان می‌گردد (هس^۶، ۲۰۰۱: ۲۰).

۳-۳. اعتقاد^۷

هیرشی معتقد است میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد هنجار شکنی کند. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. هیرشی می‌افزاید که معتقد نیست افراد کجرو از اعتقادات اجتماعی معمول بی‌اطلاع هستند، اما مسأله میزان قوت و ضعف این اعتقادات و رابطه آنها با معنی این اعمال نزد آنهاست.

می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای این نظریه، هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقدباشند، «پیوند» آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری بیشتر خواهد بود.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که این پیوند چگونه برقرار می‌شود؟ خانواده و جامعه و از آن جمله گروه همسالان دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند.

ویلکینسن و هیرشی در مورد فروپاشی خانواده و پدیده طلاق تحقیق کرده‌اند و آن را متغیر مهمی در بزهکاری نوجوانان می‌دانند. نای محقق دیگری است که اضافه می‌کند خانواده از طریق چهار عامل باعث

به دیگران است. بنابراین، وابستگی به دیگران یکی از متغیرهای مهم در کنترل رفتار است (همان: ۱۲۰). وابستگی مقدار تأثیر و احترامی است که شخص برای افرادی، چون معلم و والدین قایل است (اگینو^۱ و پیترسون^۲، ۱۹۸۹: ۳۳۳). نقش وابستگی به گروه‌های همسال تا حدی پیچیده است. وابستگی قوی به رفیق مجرم، احتمال شرکت در رفتار مجرمانه را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر، وابستگی به رفیق همنوا می‌تواند باعث همنوایی جوان شود (کراون^۳ و مسی^۴، ۱۹۸۰: ۵۲۹-۵۴۴).

۳-۲. تعهد^۵

از نظر هیرشی تعهد نیز بعد جامعه‌شناختی مفهوم خود در روان‌شناسی است؛ به این معنی که ما وقت و انرژی خود را در راه دستیابی به اهدافی، مانند تحصیل، کار و شهرت خوب در میان دیگران، صرف می‌کنیم. فردی که به فعالیت‌های متعارف در زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به دست آورده است، کجرفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد. افراد متعهد که دارای موقعیت مستحکمی در جامعه‌اند، تا حد امکان از هنجار شکنی دوری می‌جویند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

۳-۲. درگیری

بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار

¹ Agnew

² Petersen

³ Krohn

⁴ Massey

⁵ Commitment

⁶ Hass

⁷ Belief

فرضیات تحقیق

- بین میزان دینداری والدین و خشونت دانش‌آموز رابطه وجود دارد.
- بین میزان دلبستگی دانش‌آموز به خانواده و خشونت دانش‌آموز رابطه وجود دارد.
- بین میزان کنترل والدین بر رفتار دانش‌آموز و خشونت دانش‌آموز رابطه وجود دارد.
- بین میزان تضاد بین والدین و خشونت دانش‌آموز رابطه وجود دارد.
- بین میزان پیوند با دوستان منحرف و خشونت دانش‌آموز رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش بوده است. این پژوهش از نوع مقطعی است که با تکنیک پرسشنامه خود اجرا انجام شد. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (دانش‌آموز) و سطح تحلیل خرد است.

جامعه آماری این تحقیق، دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد هستند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

۳۸۵ نفر (که بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران انتخاب شده بودند) از دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند؛ به این طریق که در مرحله اول، از میان دوناچه آموزش و پرورش شهرستان یزد، ناحیه ۱ به طور تصادفی انتخاب شد. در مرحله دوم، از میان مدارس متعدد ناحیه ۱، تعداد پنج مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله سوم، از میان کلاس‌های متعدد هر مدرسه، چهار کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، دانش‌آموزان کلاس تمام شماری

تقویت پیوند اجتماعی می‌گردد. نای معتقد است که خانواده دارای تأثیرات زیر است:

- ۱- کنترل درونی از طریق جامعه‌پذیری کودک و ایجاد وجدان در وی صورت می‌گیرد؛ یعنی درونی کردن هنجارها، ارزش‌ها و نیز احساس شرم و گناه. در صورت کجرفتاری؛ این امر به علت رابطه نوجوان با پدر و مادر و تنبیه و سرزنش از جانب آنها واقع می‌گردد.
- ۲- نظارت غیر مستقیم از طریق ایجاد میل به اینکه مطابق با انتظارات خانواده رفتار کرده، باعث رنجش و ناراحتی آنها نشود. این امر به وابستگی عاطفی فرد با خانواده بستگی دارد.

۳- نظارت مستقیم؛ یعنی تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده. برای مثال، نظارت بر میزان آزادی جوانان یا نوجوانان، نظارت بر زمانی که بیرون از منزل می‌گذرانند، انتخاب دوستان و نوع سرگرمی‌ها.

۴- نقش خانواده در ارضای نیازها و توانایی خانواده در تأمین زندگی و فراهم کردن امکانات موفقیت در آینده برای نوجوان. برخی از خانواده‌ها در تحقق این امر موفق‌تر از بقیه هستند و در نتیجه بیشتر می‌توانند نوجوان و جوان را با جامعه هم‌نوا سازند، در حالی که خانواده‌هایی که چنین توانایی‌هایی را ندارند، کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نوايي داشته باشند. نای اضافه می‌کند که فروپاشی خانواده کم‌اهمیت‌تر از خوشحالی و خوشبختی خانواده است؛ یعنی خانواده‌ای که پر از تشنج و اختلاف باشد، می‌تواند نقش مهمی در کجرفتاری نوجوان بازی کند، اما نوجوانی که در خانواده طلاق گرفته، ولی آرام زندگی کند، وضعیت بهتری دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۴).

شدند. انتخاب تعداد مدارس و کلاس‌ها به این شیوه بوده است که تا حد امکان بتواند پراکندگی دانش‌آموزان و مدارس ناحیه ۱ را تحت پوشش خود داشته باشد.

ابزار تحقیق (سنجه‌ها)

ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر، پرسشنامه است که برای برآورد اعتبار سؤال‌های پرسشنامه، از اعتبار

محتوا (برای متغیرهای مستقل و وابسته) استفاده شده است. علاوه بر آن، از اعتبار سازه از طریق تحلیل عامل و با استفاده از روش چرخش واریماکس برای گویه‌های مربوط به متغیر وابسته (خشونت میان فردی) استفاده شده است (جدول شماره ۱). پایایی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق نیز از طریق آلفای کرونباخ به دست آمده است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱- ابعاد خشونت میان فردی و میزان درصد تبیین شده توسط آنها

عامل‌های مشترک	تعداد گویه‌ها	درصد واریانس تبیین شده
خشونت کلامی	۳	۵۵/۶۳
خشونت جسمانی ملایم	۱۰	۳۰/۵۵
خشونت جسمانی شدید	۴	۱۳/۸۲
کل	۱۷	۱۰۰

جدول شماره ۲- مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

مقیاس	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تضاد والدین	۶	٪۷۶
کنترل فرزندان	۵	٪۷۰
دلبستگی به والدین	۱۲	٪۸۶
دینداری مادر	۶	٪۷۷
دینداری پدر	۶	٪۷۶
پیوند با دوستان بزهکار	۶	٪۸۶
خشونت زبانی	۳	٪۷۹
خشونت جسمانی ملایم	۱۰	٪۹۳
خشونت جسمانی شدید	۴	٪۸۷

متغیر وابسته (خشونت میان‌فردی)

برای سنجش عملی متغیر وابسته؛ یعنی خشونت از مقیاس تاکتیک‌های تضاد (cts) استفاده شد. مقیاس cts به طور روز افزون به عنوان ابزاری در تشخیص بیماری در خانواده درمانی استفاده می‌شود. مقالات متعددی درباره آن نوشته‌اند که اعتبار و روایی و ساختار عاملی این مقیاس را به اثبات رسانده‌اند (زارعی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۸).

در پژوهش حاضر، خشونت به سه بعد خشونت لفظی یا کلامی^۱ (شامل سه گویه در مورد دشنام، داد و فریاد و مسخره کردن)، خشونت جسمانی ملایم^۲ (شامل ده گویه در مورد هل دادن، تنه زدن، سیلی زدن، مشت زدن، لگد زدن، پرتاب شیء، فشار دادن گلو، دست به یقه شدن، در دعوی گروهی شرکت کردن و در درگیری و کتک کاری شرکت کردن) و خشونت جسمانی شدید^۳ (شامل چهار گویه در مورد تهدید به استفاده از زنجیر و چاقو و وسایلی مانند آن، استفاده از چاقو و زنجیر در درگیری، کاربرد زور و تهدید برای انجام کاری، کاربرد زور و تهدید برای گرفتن چیزی از کسی) تقسیم شده است.

پاسخگویان باید پس از مطالعه هر کدام از این گویه‌ها، یکی از گزینه‌های هرگز، ۱-۲ بار، ۳-۵ بار، ۶-۱۰ بار و بیش از ۱۰ بار را برای شش ماه گذشته خود علامت بزنند. حاصل جمع امتیازات پاسخگو برای هر بعد، میزان خشونت وی در آن بعد را نشان می‌دهد. میزان خشونت کل از طریق جمع ابعاد گوناگون خشونت به دست می‌آید.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این تحقیق، پنج متغیر دینداری والدین، توافق یا عدم تضاد والدین، کنترل والدین، دلبستگی به والدین و دوستان منحرف‌اند. برای سنجش تضاد والدین، دو معرف میزان درگیری والدین و میزان انتقاد والدین در نظر گرفته شده است (چلبی، ۱۳۸۱: ۴۰). برای سنجش دلبستگی به والدین نیز سه معرف علاقه به با هم بودن در میان اعضای خانواده، حمایت اعضای خانواده از همدیگر و پذیرفتن بخشی از مسؤلیت‌های خانواده در نظر گرفته شده است (موس و موس^۴، ۱۹۷۵). برای سنجش کنترل فرزندان از سوی والدین نیز معرف‌هایی مربوط به کنترل دوستان، استفاده از رسانه‌های جمعی و رفتار در بیرون از منزل در نظر گرفته شد (پرینز^۵، فوستر^۶، کنت^۷، اولاری^۸، ۱۹۷۹). همچنین برای سنجش متغیر دینداری، دینداری والدین نیز معرف‌هایی، چون انجام مناسک، اعتقاد دینی و اطلاعات دینی و برای سنجش متغیر دوستان منحرف، گویه‌هایی، چون درگیری با معلمان و دانش‌آموزان، فرار از مدرسه و مصرف سیگار (زارعی، ۱۳۸۶) در نظر گرفته شدند. سپس این معرف‌ها در قالب گویه‌ها و سؤال‌هایی بر روی مقیاس لیکرت تنظیم شدند که این گویه‌ها شامل موارد کاملاً موافق، موافق، تاحدودی، مخالف و کاملاً مخالف می‌شدند و ضریب همسانی درونی آنها بالا بود. همچنین، طبق نظر کارشناسان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از اعتبار صوری نیز برخوردار بود.

^۱ Moos^۲ Prinz^۳ Foster^۴ Foster^۵ O'leary^۱ Conflict tactics scale^۲ Verbal violence^۳ Minor physical violence^۴ Sever physical violence

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش ۲۴/۲ درصد از پاسخگویان از رشته انسانی، ۲۳/۱ درصد تجربی، ۲۸/۸ درصد از رشته ریاضی و ۲۳/۹ درصد از دانش‌آموزان دوره عمومی بودند. ۸۲/۶ درصد متولد شهر یزد، ۹/۹ درصد متولد شهرستان‌ها و روستاهای اطراف یزد و ۷/۵ درصد از سایر استان‌ها بوده‌اند. ۷۳/۵ درصد از مدارس دولتی و ۲۶/۵ درصد از مدارس غیر انتفاعی بوده‌اند. ۴۶ درصد از طبقه پایین، ۴۷/۳ درصد از طبقه متوسط و ۶/۸ درصد از طبقه بالا بوده‌اند.

توصیف متغیرهای مستقل تحقیق در جدول شماره ۳ نشان داده است که بیشترین میزان موافقت با گویه‌ها در مورد متغیر دینداری والدین با ۳/۹۷ و کمترین میزان آن مربوط به دوستان منحرف با ۲/۳۵ بوده است. بیشترین میزان انحراف معیار برای متغیر دوستان منحرف با ۰/۹۲ و کمترین میزان آن برای متغیر دینداری والدین با ۰/۵۲ بوده است. جدول شماره ۴ نیز میانگین و انحراف معیار را برای ابعاد گوناگون خشونت میان فردی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳- میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
کنترل والدین	۳۸۵	۳/۶۵	۰/۷۶
تضاد والدین	۳۸۵	۲/۲۶	۰/۸۳
دلبستگی به والدین	۳۸۵	۳/۸	۰/۷۳
دینداری والدین	۳۸۵	۳/۹۷	۰/۵۲
دوستان منحرف	۳۸۵	۲/۳۵	۰/۹۲

جدول شماره ۴- میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
خشونت کلامی	۳۸۵	۶/۳۵	۲/۷
خشونت جسمانی ملایم	۳۸۵	۱۰/۴۸	۳/۷
خشونت جسمانی شدید	۳۸۵	۱/۸	۹/۷

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در جدول شماره ۵ گزارش

شده است. تمام فرضیه‌های این تحقیق با توجه به سطح معنی‌داری تأیید شده‌اند.

است؛ یعنی با افزایش میزان کنترل والدین، میزان خشونت میان‌فردی دانش‌آموز کاهش یافته است. رابطه بین تضاد والدین و خشونت میان‌فردی دانش‌آموز و ابعاد آن معنی‌دار است. این رابطه مثبت است؛ یعنی با افزایش میزان تضاد والدین، میزان خشونت میان‌فردی دانش‌آموز افزایش یافته است. رابطه بین پیوند با دوستان منحرف و خشونت میان‌فردی دانش‌آموز و ابعاد آن معنی‌دار است. این رابطه مثبت است؛ یعنی با افزایش پیوند با دوستان منحرف، میزان خشونت میان‌فردی دانش‌آموز افزایش یافته است.

رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان‌فردی و ابعاد آن معنی‌دار است. این رابطه منفی است؛ یعنی با افزایش میزان دینداری والدین، خشونت میان‌فردی دانش‌آموز کاهش یافته است. رابطه بین دلبستگی به خانواده و خشونت میان‌فردی دانش‌آموز و ابعاد آن معنی‌دار است. این رابطه منفی است؛ یعنی با افزایش میزان دلبستگی به خانواده، میزان خشونت میان‌فردی دانش‌آموز کاهش یافته است. رابطه بین کنترل والدین و خشونت میان‌فردی دانش‌آموز و ابعاد آن معنی‌دار است. این رابطه منفی



جدول شماره ۵- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (همبستگی پیرسون)

معنی داری	R	ابعاد خشونت	فرضیه
۰/۰۰۰***	-۰/۱۹	کلامی	رابطه دینداری والدین با خشونت
۰/۰۰۱***	-۰/۱۵	جسمانی ملایم	
۰/۰۰۳***	-۰/۱۷	جسمانی شدید	
۰/۰۰۰***	-۰/۱۹	خشونت کل	
۰/۰۰۰***	-۰/۳۳	کلامی	رابطه بین دلبستگی خانواده با خشونت
۰/۰۰۰***	-۰/۳۳	جسمانی ملایم	
۰/۰۰۰***	-۰/۳۱	جسمانی شدید	
۰/۰۰۰***	-۰/۳۸	خشونت کل	
۰/۰۰۰***	-۰/۳۱	کلامی	رابطه بین کنترل والدین با خشونت
۰/۰۰۰***	-۰/۳۵	جسمانی ملایم	
۰/۰۰۰***	-۰/۳۳	جسمانی شدید	
۰/۰۰۰***	-۰/۴۰	خشونت کل	
۰/۰۱۸*	۰/۱۲	کلامی	رابطه بین تضاد بین والدین با خشونت
۰/۰۰۱***	۰/۱۷	جسمانی ملایم	
۰/۰۰۴***	۰/۱۵	جسمانی شدید	
۰/۰۰۰***	/۱۸	خشونت کل	
۰/۰۰۰***	۰/۳۳	کلامی	رابطه بین پیوند با دوستان منحرف با خشونت
۰/۰۰۰***	۰/۴۴	جسمانی ملایم	
۰/۰۰۰***	۰/۳۳	جسمانی شدید	
۰/۰۰۰***	۰/۴۶	خشونت کل	

p<۰/۰۵*

p<۰/۰۱**

P</۰۰۱***

باشند و ۱۸ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

برای پیش‌بینی خشونت جسمانی ملایم، از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب بیشترین

نتایج رگرسیون گام به گام در جدول شماره ۶، برای تحلیل چند متغیره نشان داده است که از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، دلبستگی به خانواده و کنترل والدین در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب، بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته

سهم معنی‌دار را در پیش بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۲۶ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

برای پیش‌بینی خشونت جسمانی شدید، از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۱۹ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

کنند.

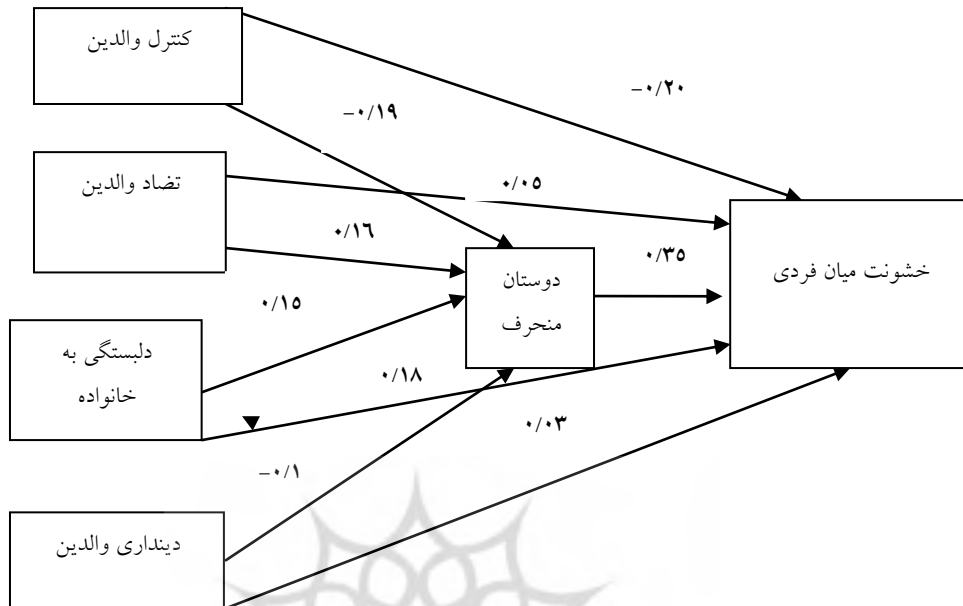
در نهایت، نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت کل نشان می‌دهد از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب، بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۳۰ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

جدول شماره ۶- نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت میان‌فردی و ابعاد گوناگون آن

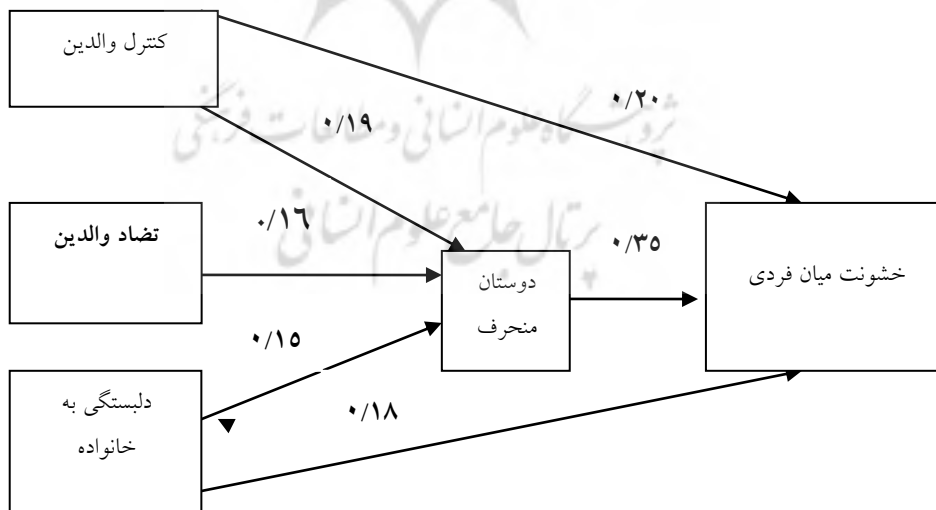
معنی‌داری	T	B	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰/۰۰۰***	۴/۶	۰/۲۲۹	دوستان منحرف	خشونت کلامی
۰/۰۰۱**	-۳/۵	-۰/۱۹۰	دلبستگی به خانواده	
۰/۰۱۳*	-۲/۵	-۰/۱۳۷	کنترل والدین	
۰/۰۰۰***, $p=۲۷/۷۹۹=۰/۰۰۰۳۸۱$ (۳), $f_{۰/۱۷}$, $Adj/R^2=۰/۱۸R^2=$				
۰/۰۰۰***	۷/۲۴	۰/۳۴	دوستان منحرف	خشونت جسمانی
۰/۰۰۱**	-۳/۴۴	-۰/۱۸	کنترل والدین	ملایم
۰/۰۱۳*	-۲/۵	-۰/۱۳	دلبستگی به خانواده	
۰/۰۰۰***, $p=۴۳/۵۴=۰/۰۰۰۳۸۱$ (۳), $f_{۰/۲۵}$, $Adj/R^2=۰/۲۶R^2=$				
۰/۰۰۰***	۴/۶۷	۰/۲۳	دوستان منحرف	خشونت جسمانی
۰/۰۰۱**	-۳/۳	-۰/۱۸	کنترل والدین	شدید
۰/۰۰۵**	-۲/۸۳	-۰/۱۵	دلبستگی به خانواده	
۰/۰۰۰***, $p=۲۸/۸۹=۰/۰۰۰۳۸۱$ (۳), $f_{۰/۱۸}$, $Adj/R^2=۰/۱۹R^2=$				
۰/۰۰۰***	۷/۵۸	۰/۳۵	دوستان منحرف	خشونت کل
۰/۰۰۰**	-۳/۹۱	-۰/۲۰	کنترل والدین	
۰/۰۰۱**	-۳/۴۲	-۰/۱۷	دلبستگی به خانواده	
۰/۰۰۰***, $p=۵۵/۰۱=۰/۰۰۰۳۸۱$ (۳), $f_{۰/۲۹۷}$, $Adj/R^2=۰/۳۰۲$ $R^2=$				
$p<۰/۰۵^*$	$p<۰/۰۱^{**}$	$P<۰/۰۰۱^{***}$		

تحلیل مسیر

در نمودار (۱) و (۲) تحلیل مسیر خشونت میان فردی قبل و پس از حذف مسیرها به نمایش گذاشته شده است:



نمودار شماره ۱- مدل تحلیل رگرسیون خشونت میان فردی



نمودار شماره ۲- تحلیل مسیر مدل اصلاح شده خشونت میان فردی

جدول شماره ۷- اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر روی خشونت میان‌فردی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دوستان منحرف	۰/۳۵	-	۰/۳۵
دلبستگی به خانواده	-۰/۱۸	-۰/۰۵	-۰/۲۳
تضاد والدین	-	۰/۰۶	۰/۰۶
کنترل والدین	-۰/۲۰	-۰/۰۷	-۰/۲۷
دینداری والدین	-	-	-

همین مبنای پنج فرضیه مطرح شد که نتایج آن به شرح زیر است:

فرضیه اول تحقیق مبنی بر رابطه بین میزان دینداری والدین و خشونت دانش‌آموز نیز تأیید می‌شود، زیرا مطابق با نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی منفی و معنی‌داری بین میزان دینداری والدین نوجوانان با میزان خشونت خود آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، والدینی که دینداری بالاتری داشتند؛ دارای فرزندان با رفتارهای خشونت‌آمیز کمتری بودند. این همبستگی برای ابعاد مختلف خشونت و همچنین خشونت کل وجود دارد.

نتایج این فرضیه با یافته‌های فاضلی‌نیا (۱۳۸۰) و مشکانی (۱۳۸۱) هماهنگی دارد. آنها نیز ضمن پژوهش خود به این نکته رسیده‌اند که نوجوانانی که والدین دیندارتری دارند، کمتر به رفتارهای انحرافی دست می‌زنند. همچنین، با یافته‌های اسمیت و دیگران (۲۰۰۲) و گیت و کلی (۲۰۰۶) که ضمن پژوهش خود به نقش دین در کنترل درونی و کاهش رفتارهای انحرافی اشاره کرده‌اند نیز هماهنگی دارد.

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر رابطه بین میزان دلبستگی به خانواده و خشونت دانش‌آموز نیز تأیید می‌شود، زیرا مطابق با نتایج آزمون همبستگی پیرسون

جدول شماره ۷ نمایانگر آن است که مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات میزان خشونت میان‌فردی به ترتیب دوستان منحرف (۰/۳۵)، کنترل والدین (۰/۲۷-)، دلبستگی به خانواده (۰/۲۳-) و تضاد والدین (۰/۰۶-) بوده‌اند و متغیر دینداری والدین اثر معنی‌داری را چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم نداشته است. در نمودار شماره ۲ متغیرهایی که اثرشان بر روی متغیر وابسته - اعم از خشونت میان‌فردی و یا دوستان منحرف - معنی‌دار نبوده است، از مدل حذف شده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تبیین‌ها و نظریات متعدد و متفاوتی در توضیح رفتارهای انحرافی و از آن جمله رفتارهای خشونت‌آمیز مطرح شده‌اند. نظریه نظارت اجتماعی یکی از این نظریات است. این نظریه به کاهش رفتارهای انحرافی از طریق پیوند با جامعه و نقش گروه‌های جامعه‌پذیرکننده در ایجاد این پیوند اشاره دارد.

این پژوهش با استفاده از مبانی نظری این نظریه، به بررسی نقش دو گروه خانواده و همسالان در ایجاد پیوند و کاهش در رفتارهای خشونت‌آمیز دارد. بر

نتایج این فرضیه با یافته‌های مسرور سلمانی (۱۳۸۱) و دنیس و تری (۱۹۹۹) هماهنگی دارد. فرضیه پنجم تحقیق مبنی بر رابطه بین پیوند با دوستان منحرف و خشونت دانش‌آموز نیز تأیید می‌شود، زیرا مطابق با نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین میزان پیوند با دوستان منحرف و میزان خشونت دانش‌آموز وجود دارد و با افزایش دوستان منحرف، رفتارهای خشونت-آمیز نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. این همبستگی برای ابعاد مختلف خشونت و همچنین خشونت کل وجود دارد.

نتایج این فرضیه با تحقیقات نیکا اختر (۱۳۷۸)، محسنی تبری (۱۳۷۹)، فاضلی‌نیا (۱۳۸۰)، مشکانی (۱۳۸۰)، پورچیت‌ساز (۱۳۸۲)، دنیس و تری (۱۹۹۹)، هیون و ویرجن (۲۰۰۰)، میرس و فیلد (۲۰۰۲)، کوویت و دیگران (۲۰۰۴) و هابس (۲۰۰۸) هماهنگی دارد.

بنابراین، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، خانواده و گروه همسالان و دوستی، بر خشونت نوجوانان اثرگذار هستند و نتایج تحقیق نشان داد که چنانچه شرایط این گروه‌ها به گونه‌ای باشد که افراد را همسو با هنجارها و ارزش‌های جامعه کنند، رفتارهای خشونت‌آمیز، به عنوان نوعی از رفتار نابهنجار در آنها کاهش خواهد یافت.

به منظور پیش‌بینی سهم متغیرهای تحقیق در تبیین واریانس خشونت و ابعاد گوناگون آن، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد.

نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت کلامی نشان می‌دهد که از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، دل‌بستگی به خانواده و کنترل والدین در مدل

همبستگی منفی و معنی‌داری بین میزان دل‌بستگی نوجوان به خانواده با میزان خشونت وی وجود دارد و با افزایش میزان دل‌بستگی، میزان رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد. این همبستگی برای ابعاد مختلف خشونت و همچنین خشونت کل وجود دارد. نتایج این فرضیه با یافته‌های نیکا اختر (۱۳۷۸)، محسنی تبری (۱۳۷۹)، مشکانی (۱۳۸۱)، مسرور سلمانی (۱۳۸۱)، سخاوت (۱۳۸۱)، هیون و دیگران (۱۹۹۶)، گلداستین و دیگران (۲۰۰۰)، کوویت و دیگران (۲۰۰۴) و لوپز و دیگران (۲۰۰۷) هماهنگی دارد.

فرضیه سوم تحقیق مبنی بر رابطه بین میزان کنترل رفتار فرد توسط والدین و خشونت دانش‌آموزان تأیید می‌شود، زیرا آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که همبستگی منفی و معنی‌داری بین میزان کنترل رفتاری که نوجوانان از والدین خود دیده بودند، با میزان خشونت آنها وجود دارد. این همبستگی برای ابعاد مختلف خشونت و همچنین خشونت کل وجود دارد.

نتایج این فرضیه با یافته‌های فاضلی‌نیا (۱۳۸۰)، پیرسون (۱۹۹۰)، دنیس و تری (۱۹۹۹)، ماتسوبا (۲۰۰۲) و گیت و کلی (۲۰۰۶) نیز هماهنگی دارد. فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر رابطه بین میزان تضاد بین والدین و خشونت دانش‌آموزان نیز تأیید می‌شود، زیرا مطابق با نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی مثبت و معنی‌داری بین میزان تضاد والدین نوجوانان با میزان خشونت آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه تضاد والدین بیشتر شود، رفتارهای خشونت‌آمیز نیز بیشتر می‌شود. این همبستگی برای ابعاد مختلف خشونت و همچنین خشونت کل وجود دارد.

دوستان منحرف در مدل با بیشترین تأثیر باقی مانده‌اند.

این امر می‌تواند به این علت باشد که نوجوانی، دوره کسب استقلال و جدایی از والدین است. در این دوره تا حد زیادی از نقش و اهمیت خانواده در جامعه‌پذیری و شکل‌دهی به رفتار فرزندان کاهش و بر اهمیت سایر عوامل جامعه‌پذیری، افزوده می‌شود که در میان این عوامل، نقش گروه همسالان از اهمیت بالاتری برخوردار است و این رابطه تا حد زیادی جای رابطه با والدین را می‌گیرد (کاپلان، ۱۳۸۱: ۸۳۳). بنابراین، همبستگی میزان خشونت نوجوانان با انحراف دوستانشان بالاتر است.

در مجموع باید گفت، خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای جامعه‌پذیری است که حتی در دوران نوجوانی نیز اهمیت خود را ایفا می‌کند. البته، شاید از اهمیت مستقیم خانواده‌ها در فرهنگ‌سازی کاسته شود، اما نقش خود را به صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر روی سایر نهادهای جامعه‌پذیری و از آن جمله دوستان ایفا خواهد نمود. به همین منظور، پیشنهاد می‌شود تا خانواده‌ها به جای تأکید بیش از حد بر فرهنگ‌سازی و تعیین باید و نبایدها از جانب خود، توجه ویژه‌ای به نقش سایر نهادهای جامعه‌پذیری داشته، آثار نامطلوب آنها را کاهش دهند. از ذکر این نکته نباید غافل بود که دوستان یکی از گروه‌های مهم جامعه‌پذیری هستند. علاوه بر دوستان، لازم است از طریق تحقیقات این نکته را بررسی کرد که آیا سایر نهادها و عوامل جامعه‌پذیری نیز نقشی فراتر از خانواده در جهت‌دهی فرهنگی جوانان و نوجوانان ایفا خواهند نمود. همچنین، در تعمیم‌دهی نتایج این تحقیق، این نکته را باید مد نظر قرار داد که اطلاعات مربوط به تضاد والدین و دینداری آنها به

باقی ماندند که توانستند به ترتیب، بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۱۸ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت جسمانی ملایم نشان می‌دهد که از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۲۶ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت جسمانی نشان می‌دهد که از پنج متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و ۱۹ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

در نهایت، نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت کل نشان می‌دهد از ۵ متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، تنها سه متغیر پیوند با دوستان منحرف، کنترل والدین و دلبستگی به خانواده در مدل باقی ماندند که توانستند به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی خشونت کلامی داشته باشند و با مقدار، ۳۰ درصد از تغییرات این متغیر را پیش‌بینی کنند.

اما آنچه در نتایج این تحقیق حایز اهمیت است، همبستگی بالاتر عوامل مربوط به دوستان در مقایسه با عوامل مربوط به خانواده است. در میان متغیرهای باقی مانده و مؤثر در تحلیل رگرسیون نیز همواره این متغیر

۹- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران: نشر نی.

۱۰- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۹). «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق» نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ۱۹۷-۲۲۳.

۱۱- مشکانی، محمدرضا و زهرا السادات مشکانی (۱۳۸۱). «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲، ۳-۲۵.

۱۲- ممتاز، فریاده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۳- نجفی، محمود و حسن احدی و علی دلاور. (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، ش ۱۶، ۱۷-۲۶.

۱۴- نیک اختر، علی. (۱۳۷۸). بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش آموزان دبیرستان‌های شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

15- Agnew, R., & David, M. (1989), "Leisure and delinquency". *Social problems*, 36, 332-350.

16-Arriaga, X. B., & Vangie, A. F. (2004), "Do adolescents follow in their friends , or their parents , footsteps?". *Journal of Interpersonal Violence*, 19(2), 162-184.

17- Dennis, V. A., Terry, E. D., Susan, C. D. (1999), "Hyman Hops: Adolescent problem behavior: the influence of parents and peers". *Behavior Research and Therapy*, 37, 217±230

18- Dekovic, W. B., & Meijer, A., M. (2004), "The role of family and peer relations in adolescent antisocial behavior: comparison of

صورت غیرمستقیم و از طریق فرزندان به دست آمده است و اگر این اطلاعات به صورت مستقیم از والدین به دست می‌آمد، نتایج اعتبار بیشتری داشتند.

منابع

۱- پورچیت ساز، مرضیه. (۱۳۸۲). مقایسه عوامل مؤثر در پرخاشگری دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهر یزد ناحیه ۲، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). "آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان"، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲، ۲۶-۵۴.

۳- زارعی، امین. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر خشونت دانش آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

۴- سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۸۵، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

۵- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.

۶- صدیق سروسستانی، رحمت الله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: سمت.

۷- فاضلی‌نیا، فرزانه. (۱۳۸۰). نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

۸- کاپلان، پاول. اس. (۱۳۸۱). روان‌شناسی رشد (ترجمه مهرداد فیروزبخت)، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

behaviors and constructive social activities". A research report of the national study of youth and religion.

four ethnic groups". *Journal of adolescence* , 27, 497-514.

19- Hass, R. (2001), *Involvement in Sport and Engagement in Delinquency: An Examining of Hirschi's Social Bond Theory*, Criminology, East Tennessee State University.

20- Heave, C. L., & Virgen, M. (2000), "Personality, perceptions of family and peer influences, and males self-reported delinquency". Available online on Elsevier Science Ltd.

21- Hobbs, M. E. (2008), "Peer influence on deviant behavior". department of psychology, Miami university.

22- Krohn, M. D., & Massey, J. L. (1980), "Social control and delinquent behavior: An examination of the elements of the social bond". *Sociological quarterly*, 21,529-544.

23- Meshari Al-Husaini. (2004), An investigation into factors that may contribute to school violence in male high schools in Kuwait. dissertation submitted to the faculty of the Virginia polytechnic institute and state university in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy.

24- Moos, R., & Moos, B. (1975), *Families*. In R. H. Moos (Ed.), *Evaluating correctional and community settings*. NY, NY: Wiley.

25-Olweus, D(1993) *Bullying at school: what we know and what we can do*. Malden (MA): Blackwell.

26- Patterson, G. R., DeBaryshe, B., & Ramsey, E. (1990), "A developmental perspective on antisocial behavior". *American Psychologist*, 44, 329-335.

27- Prinz, R. J., Foster, S., Kent, R. N., & O'Leary, K. D. (1979), Multivariate assessment of conflict in distressed and no distressed mother-adolescent dyads. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 12, 691-700.

28- Smith, C., & Faris, R. (2002), "Religion and American adolescent delinquency, risk